

از جنگ تبلیغاتی تا تبلیغات جنگی:

مهندسی افکار برای جنگ‌های

سرمایه‌داری



صدای انترناسیونالیستی

در روز نخست جنگ خاورمیانه، صحنه‌ای در یکی از محله‌های تهران، واقعیتی سخت و زمینی را در برابر حباب تبلیغات جنگی قرار داد و آن را همچون بادکنکی ترکاند. دختری هراسان و وحشت‌زده به سوی خانه‌شان می‌دوید. وقتی مادرش را سالم یافت، با اضطراب از او پرسید: «چرا مناطق مسکونی را زدند؟»

این پرسش ساده نشان می‌داد که تبلیغات جنگی به او القا کرده بود که نیروهای «آزادی‌بخش» آمریکا و اسرائیل قرار است از راه برسد و مسئولانه و با دقتی حساب شده، صرفاً مراکز نظامی و مقامات سیاسی و نظامی حاکمیت را هدف قرار دهند و مردم ایران را از یوغ «ملایان» نجات دهند؛ و در این عملیات آزادی‌بخش، غیرنظامیان آسیبی نخواهند دید.

ظاهراً نیروهای کمکی که قرار بود از راه برسند، گویا اکنون رسیده بودند؛ اما واقعیت پیش چشم او چیز دیگری بود: همان «نیروهای آزادی‌بخش» نه فقط مراکز نظامی بورژوازی ننگین اسلامی، یا به ادبیات بورژوازی غرب و نیروهای نیابتی آن «ملایان»، بلکه اکنون مناطق مسکونی را نیز بمباران می‌کردند و غیرنظامیان را نیز قتل‌عام می‌کردند.

هر جنگ امپریالیستی با کارزاری گسترده از دروغ، ریاکاری و فریب همراه است تا کارگران را وادارد نه تنها علیه آن نتوانند اعتراض کنند، بلکه برای تحقق اهداف بورژوازی نیز فداکاری کنند. به عبارت بهتر، جنگ فقط در سطح نظامی جریان ندارد، بلکه حادثه‌تر از آن، پروپاگاندا کیف جنگی برای مسموم کردن طبقه‌ی کارگر جهانی در جریان است.

اگرچه دونالد ترامپ و وزیر جنگ او با ادبیاتی تند و شبیه به زبان اوباش و راهزنان سخن می‌گویند، اما دستگاه تبلیغاتی بورژوازی غرب، با وجود اختلافات درونی ناشی از منافع امپریالیستی متفاوت، کارزاری گسترده و کثیف برای مسموم کردن طبقه‌ی کارگر و مهندسی افکار عمومی به راه انداخته است. این دستگاه، به دلیل برخورداری از امکانات وسیع و نیز به واسطه‌ی ساختار دموکراسی بورژوایی در این کشورها، توانسته است اهداف تبلیغاتی خود را به طور مؤثری پیش ببرد.

ژورنالیسم رسمی غرب نیز عموماً همان چیزی را بازتولید می‌کند که قرار است این دموکراسی برای شهروندانش عرضه کند. پروپاگاندا‌ی دموکراسی بورژوایی، با اتکا به منابع سرشار و ابزارهای پیشرفته‌ی مهندسی افکار عمومی، از کارآمدی بیشتری در پیشبرد تبلیغات جنگی برخوردار است؛ دروغ‌های آن نیز بزرگ‌تر، پیچیده‌تر و باورپذیرترند.^۱ اسرائیل به دلیل برخورداری از امکانات گسترده و حمایت همه‌جانبه‌ی کشورهای غربی و متحدانش، قادر است افکار عمومی را، چه در داخل خود اسرائیل، چه در کشورهای غربی و حتی در داخل ایران، به طور مؤثرتری در راستای منافع امپریالیستی‌اش جهت‌دهی کند.

^۱ دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های بورژوایی نقشی کلیدی در پیشبرد استراتژی‌های بورژوایی ایفا می‌کنند. این دستگاه‌ها با شکل‌دهی و جهت‌دهی به افکار عمومی، زمینه‌ی اجتماعی و روانی لازم را از پیش فراهم می‌سازند تا ماشین سیاسی و نظامی بورژوازی بتواند اهداف خود را آسان‌تر و مؤثرتر به پیش ببرد. برای نمونه، در جریان شکست انقلاب آلمان از سال ۱۹۱۹ به بعد، در قلب اروپا، ماشین تبلیغاتی و رسانه‌ای ابتدا با توجیه خشونت‌ها، قتل‌ها و سرکوب‌ها، افکار عمومی را آماده و همراه می‌کرد. سپس، دستگاه سرکوب با اتکا به همین بستر آماده شده، به اجرای عملی کشتارها و حذف کارگران و انقلابیون می‌پرداخت. به بیان دیگر، در جامعه سرمایه‌داری تبلیغات و رسانه بخشی فعال از فرایند اعمال قدرت و سرکوب بوده‌اند؛ فرایندی که در آن، مشروعیت بخشی به خشونت، مقدمه‌ی اجرای آن به شمار می‌رود.

این توانایی بر شبکه‌ای وسیع از رسانه‌ها، نهادهای تبلیغاتی و ابزارهای مدرن ارتباطی استوار است که امکان شکل‌دهی به روایت‌ها و چارچوب‌بندی اخبار را فراهم می‌کنند. به این ترتیب، اهداف امپریالیستی نه فقط در میدان جنگ، بلکه در عرصه‌ی ذهن و آگاهی توده‌ها نیز پیش برده می‌شوند و زمینه‌ی مشروعیت‌بخشی به آن‌ها فراهم می‌گردد.

ماشین پروپاگانداى جنگیِ بورژوازیِ اسلامی و حامیان آن، اگرچه از نظر امکانات و گستره‌ی نفوذ با ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و دیگر کشورهای غربی قابل مقایسه نیست، اما آن جبهه نیز می‌کوشد روایت خاص خود را از جنگ و اهداف آن ارائه دهد. در این روایت، اقداماتش در قالب «مقاومت» در برابر امپریالیسم و متحدان آن و نیز تلاش برای بیرون راندن امپریالیسم آمریکا از خاورمیانه بازنمایی می‌شود.

در چنین زمینه‌ای بود که ترامپ جنگ‌طلب، به عنوان بخشی از جنگ روانی، احتمال هرگونه توافق با حاکمان جنایتکار ایران را رد کرد و اظهار داشت که برای پایان جنگ، هیچ توافقی در کار نخواهد بود و تنها گزینه‌ی پیش‌رو، تسلیم بی‌قید و شرط ایران است. احتمالاً خودش نیز می‌دانست که این اظهارات بخشی از تبلیغات جنگی و در راستای پیشبرد اهداف نظامی است؛ چرا که پیش‌تر، در جریان جنگ ۱۲ روزه در خرداد سال گذشته، نیز چنین موضعی را ابراز کرده بود. به هر حال، ترامپ چنین گفت:

"هیچ توافقی در کار نخواهد بود مگر اینکه تهران بی‌قید و شرط تسلیم شود."^۲

^۲ رویترز.

با کم‌رنگ شدن امید به فروپاشی بورژوازی اسلامی در نتیجه‌ی جنگ خاورمیانه، نتانياهو جنایتکار، به عنوان بخشی از جنگ تبلیغاتی و برای پیشبرد اهداف امپریالیستی خود در نقش «آزادی‌بخش» ظاهر شد^۳، اظهار داشت که «کمک از راه رسیده است» و شرایط لازم برای تغییر رژیم مستبد فراهم شده است. او از مردم ایران خواست که لحظه‌ی آزادی فرا رسیده است، قیام کنند و کار ناتمام سرنگونی را به پایان برسانند:

"این فرصت را از دست ندهید. این فرصتی است که شاید فقط یک‌بار در هر نسل پیش بیاید. به زودی لحظه‌ی شما فرا خواهد رسید؛ لحظه‌ای که باید به صورت گسترده به خیابان‌ها بیایید و کار ناتمام سرنگونی رژیم وحشی را که زندگی‌تان را تلخ کرده است، به پایان برسانید."^۴

ما پیش‌تر توضیح داده‌ایم که شرایط ایران قابل مقایسه با سوریه، ونزوئلا و دیگر کشورها نیست و هر اقدامی علیه ایران می‌تواند به گسترش هرج و مرج در سطح منطقه منجر شود و

^۳ نتانياهو جنایتکار، که به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت متهم است، در نقش «آزادی‌بخش» ظاهر می‌شود. این در حالی است که دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت رسمی او را صادر کرده است. واقعیت این است که این حکم، محصول تنش‌های درونی جناح‌های بورژوایی و ابزار فشار متقابل میان آن‌ها بوده است. [هواپیمای حامل نتانياهو بارها از حریم هوایی فرانسه، ایتالیا، یونان و دیگر کشورها عبور کرده است](#)؛ در حالی که این کشورها عضو اساسنامه رم هستند و از نظر حقوقی تابع حکم بازداشت محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، این حکم بیش از آنکه عملیاتی باشد، نمادی و بخشی از جنگ تبلیغاتی در تنش‌های بین جناح‌های بورژوایی بوده و عملاً هیچ کشوری توانایی دستگیری نتانياهو را ندارد.

^۴ تایمز اسرائیل.

عواقب آن نیز جهانی باشد. روند حوادث اخیر، حقانیت استدلال‌ها و ارزیابی‌های کمونیست‌های چپ را به وضوح تأیید کرده و درستی تحلیل‌های آنان را نشان داده است.^۵ یکی از دلایل اصلی عدم فروپاشی بورژوازی اسلامی، ایدئولوژیک بودن آن است، بورژوازی اسلامی تلاش کرده از تجربه‌ی جنگ ۱۲ روزه و اعتراضات خیابانی سال‌های اخیر درس‌هایی بیاموزد. واقعیتی انکارناپذیر وجود دارد: نارضایتی گسترده‌ای از بورژوازی ننگین اسلامی در جامعه وجود دارد. اما از آنجایی که این نارضایتی عمومی و فراطبقاتی است، به راحتی می‌تواند توسط نیروهای ارتجاعی مورد سوءاستفاده قرار گیرد یا به ابزاری در تنش‌های میان جناح‌های بورژوایی تبدیل شود.

با آغاز جنگ خاورمیانه، هم ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و نیروهای نیابتی آن‌ها، و هم خود بورژوازی ننگین اسلامی، این نارضایتی را مدنظر داشتند. بر همین اساس، بورژوازی اسلامی به محض وقوع جنگ، با تکیه بر تجربیاتی که کسب کرده بود، تلاش کرد جنبه‌های ایدئولوژیک و ملی‌گرایانه را تقویت کند.

بورژوازی اسلامی از همان ابتدا اعلام کرد که برای دفاع از «انقلاب» (در واقع ضد انقلاب)، میدان جنگ نظامی متعلق به نیروهای نظامی است و پشت جبهه، یعنی خیابان‌ها، به مردم تعلق دارد. همان‌طور که نیروهای نظامی باید میدان جنگ را حفظ کنند، مردم نیز

^۵ برای اطلاع بیشتر از ارزیابی‌ها و استدلال‌ها از منظر کمونیسم چپ، مطالعه‌ی دو نوشته‌ی زیر توصیه می‌شود. نکته‌ی حائز اهمیت این است که هر دو نوشته پیش از وقوع جنگ خاورمیانه نگاشته شده‌اند:

- سرکوب خونین و شکست‌سازی آلترناتیوهای بورژوایی؛ ضرورت مبارزه مستقل و انترناسیونالیستی طبقه کارگر
- تسلیم یا جنگ؟ سرمایه داری و گرایش به جنگ امپریالیستی تعمیم یافته و پاسخ انترناسیونالیستی

موظف‌اند خیابان‌ها را کنترل کنند. در نتیجه، از روزهای اول، طرفداران حکومت هر شب در میدانی اصلی شهرها، و در تهران در میدانی مناطق مختلف جمع می‌شوند تا از وقوع هرگونه اعتراض ضد جنگ جلوگیری کنند.^۶ آن‌ها با برافراشتن پرچم ملی، شعاردهی و خواندن سرودهای نظامی، شور و التهاب حمایت از حاکمان بورژوازی را حفظ می‌کنند.

در کنار این اقدامات، بورژوازی اسلامی **شرایط جنگی و قوانین مربوط به آن** را در جامعه اعلام کرده است؛ هرگونه حمایت، ارسال اخبار یا گزارش دهی برخلاف این قوانین، مشمول برخورد قانونی مطابق قوانین جنگی است. در روزهای اخیر، صدها نفر به دلیل ارسال اخبار یا گزارش، به ویژه به تلویزیون‌ها، سایت‌ها و کانال‌های طرفدار بورژوازی غربی، اسرائیل و نیروهای نیابتی آن‌ها، دستگیر شده‌اند. از آنجایی که عملکرد چنین افرادی بر مضمون و افق انقلابی قرار ندارد و صرفاً بازتاب نارضایتی عمومی است که توسط نیروهای ارتجاعی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، به محض دستگیری، سراب آن‌ها فرو می‌پاشد و با سرخوردگی مواجه می‌شوند.

علاوه بر این، بورژوازی اسلامی برخی قوانین نانوشته‌ای را که در سال ۱۳۶۰ اعمال شده بود، دوباره احیا کرده است. به عبارت دیگر، هر کسی که کوچک‌ترین تحرک «ضد

^۶ باید تأکید کرد که هر حمله‌ی خارجی به طور معمول حس وطن‌پرستی را در جامعه تقویت می‌کند و این امر در مورد جنگ خاورمیانه نیز صادق است. از این‌رو، در میان تجمع‌کنندگان تنها حامیان حکومت حضور ندارند، بلکه افرادی که منتقد یا مخالف آن هستند نیز دیده می‌شوند. حتی برخی از کسانی که در خارج از کشور زندگی می‌کردند، برای دفاع از وطن امپریالیستی به ایران بازگشته‌اند و دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی در راستای اهداف خود، مصاحبه‌های آنان را بازتاب و برجسته می‌کند.

انقلابی» را مشاهده کند یا به وجود عناصر «ضد انقلابی» مشکوک شود، موظف به گزارش آن است؛ به عبارت بهتر، شهروندان جامعه به جاسوسانی برای رژیم تبدیل می‌شوند. بورژوازی اسلامی نیز برای دشمنان خود خط و نشان می‌کشد و بر شیپور جنگی می‌دمد. سپاه پاسداران ضد انقلاب اعلام می‌کند که جنگ زمانی پایان خواهد یافت که دشمن به طور کامل تسلیم شود و تمام تمرکز آن‌ها معطوف به تسلیم مطلق دشمن است. در همین راستا، چنین اظهار می‌دارند:

"فقط به تسلیم کامل دشمن می‌اندیشیم. زمانی جنگ را پایان می‌دهیم که سایه جنگ از کشور برداشته شود."^۷

بورژوازی اسلامی اعلام کرده است که جنگ خاورمیانه باید به خروج ایالات متحده آمریکا از خاورمیانه منجر شود. در چنین زمینه‌ای، یکی از فرماندهان ارشد ارتش بورژوازی اسلامی نیز به جنگ تبلیغاتی متوسل شد و اظهار داشت که در واقع جنگ خاورمیانه برای تغییر نظم جهانی است و پس از آن، نظم جهانی دستخوش تحول خواهد شد. به عبارت دیگر، آمریکا دیگر جایگاه پیشین خود را نخواهد داشت:

"بعد از این جنگ جهانی تغییر پیدا می‌کند و دیگر آمریکا جایگاه پیش از این جنگ را نخواهد داشت."^۸

^۷ آگاه نیوز.

^۸ خبرفوری.

گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و کشورهای حاشیه‌ی خلیج، تلفات خود را به طور دقیق اعلام نمی‌کنند تا میزان خسارت کم جلوه کند، روحیه مردم تحت تأثیر قرار نگیرد و گرایش به سیاست‌های ضد جنگ شکل نگیرد.

در مقابل، بورژوازی اسلامی تلاش می‌کند نه تنها تمامی کشته‌ها را اعلام کند، بلکه آن‌ها را به صورت مظلوم‌نمایی به نمایش بگذارد، به این معنا که کشته‌ها توسط امپریالیسم، ظالمان و حامیان آن‌ها قربانی شده‌اند. مراسم تشییع کشته‌ها به کارناوالی در خدمت جنگ امپریالیستی و طبقه حاکم تبدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر، حتی کشته‌ها نیز در جنگ امپریالیستی به ابزار تبلیغاتی طبقه حاکم بدل می‌شوند.

در راستای چنین تبلیغات جنگی، بورژوازی اسلامی خود را مدافع مظلومان جلوه می‌دهد، بر روی موشک‌هایی که شلیک می‌شوند، اسامی قربانیان، به ویژه کودکان، نوشته می‌شود؛ تحت عناوینی مانند «انتقام کودکان شهید»، یا تبلیغات دیگر چون «انتقام راشل کوری»^۹، «انتقام قربانیان جزیره آپستین»، «تشکر از نخست‌وزیر اسپانیا» و غیره.

عراق یکی از جبهه‌هایی است که نیروهای نیابتی بورژوازی اسلامی توانسته‌اند در آن عملکرد دفاعی مؤثرتری برای بورژوازی اسلامی داشته باشند. از نظر نظامی، نیروهای ناتو عراق را ترک کرده و فعالیت‌های خود را به ناپل، ایتالیا منتقل کرده‌اند. همچنین نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا که در پایگاهی در کردستان عراق و پایگاهی نزدیک فرودگاه

^۹ راشل کوری فعال صلح طلب آمریکایی بود که در سال ۲۰۰۳ در نوار غزه هنگام تلاش برای جلوگیری از تخریب خانه‌های فلسطینیان کشته شد.

بغداد مستقر هستند، به شدت هدف حملات قرار گرفته‌اند. نیروهای نیابتی ایران در عراق نیز مدعی شده‌اند که از خاک عراق، پایگاه‌های آمریکا در اردن و سوریه را مورد حمله قرار داده‌اند.

از بُعد تبلیغاتی، نیروهای نیابتی ایران در اقدامی نمادین، پوستر ولی فقیه گور به گور شده را در صدها خیابان بغداد نصب کردند. همچنین دیوارنگاره میدان فردوس بغداد، که به عنوان فضایی نمادین برای بازتاب تغییرات سیاسی و اجتماعی عراق مطرح است، با جمله‌ای از فرمانده به قتل رسیده حشدالشعبی به نمایش درآمد: «دیگر برای آن‌ها امنیتی نخواهد بود، به خدا قسم آن‌ها را باقی نخواهیم گذاشت.»

به عبارت دیگر، دامنه تنش‌های نظامی و سیاسی در عراق به شدت گسترش یافته و هرج و مرج با شتاب بیشتری پیش می‌رود. حتی پس از آتش‌بس احتمالی، این هرج و مرج و تنش‌ها همچنان ادامه خواهند داشت و منطقه را تحت تأثیر قرار خواهند داد.

جنگ تبلیغاتی در حوزه‌ی سایبری بیش از سایر حوزه‌ها جریان دارد. تبلیغات و عملیات سایبری بخشی جدایی‌ناپذیر از جنگ محسوب می‌شوند و تمامی طرفین، به عنوان بخشی از عملیات نظامی، از آن بهره می‌گیرند. در چنین زمینه‌ای، نیروهای سایبری بورژوازی اسلامی توانستند پیامکی برای گوشی‌های موبایل شهروندان اسرائیلی ارسال کنند که متن آن به شرح زیر است:

"آخرین سامانه‌های رادار آمریکایی در منطقه نابود شده‌اند. رهبران دولت شما به شما دروغ می‌گویند. کشور را ترک کنید. موشک‌ها در راه شما هستند. هیچ پناهمگاهی امنیت شما را تضمین نمی‌کند."

یکی دیگر از تبلیغات جنگی بورژوازی اسلامی که به طور گسترده هم در رسانه‌های رسمی مانند روزنامه‌ها و تلویزیون و هم در شبکه‌های اجتماعی مطرح و تبلیغ می‌شود، موضوع درخواست گرامت از «متجاوزان» است. در برنامه‌های تلویزیونی متعدد، مسئله‌ی مطالبه‌ی گرامت از ایالات متحده آمریکا و کشورهای حاشیه‌ی خلیج مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر این، سفیر و نماینده‌ی بورژوازی اسلامی در «لانه دزدان» (سازمان ملل) طی نامه‌ای به دبیرکل و رئیس شورای امنیت، امارات متحده عربی را متهم کرد که سرزمین خود را برای حملات آمریکا علیه ایران در اختیار این کشور گذاشته است. بر اساس اظهارات او، اقدامات متخلفانه‌ی بین‌المللی امارات مستلزم جبران خسارت است و شامل پرداخت گرامت برای کلیه خسارات مادی و معنوی وارده به ایران می‌شود.^{۱۰}

در سال ۲۰۲۴، دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش روسیه را به دلیل حملات به زیرساخت‌های برق اوکراین صادر کرد.^{۱۱} اخیراً ترامپ نیز هشدار داده بود که اگر ایران ظرف ۴۸ ساعت تنگه‌ی هرمز را باز نکند، ارتش ایالات متحده آمریکا حمله به نیروگاه‌های برق ایران را آغاز خواهد کرد. در همین زمینه، تام

^{۱۰} ایلتا.

^{۱۱} گاردین.

بیتمن، خبرنگار بی بی سی، از لوئیس مورنو او کامپو می پرسد که آیا با توجه به احکام پیشین، در صورت عملی شدن این تهدید، نباید حکم مشابهی علیه ترامپ نیز صادر شود.

طرح چنین پرسشی نشان دهنده‌ی نادیده گرفتن ماهیت واقعی نهادهایی مانند دادگاه کیفری بین‌المللی است و بخشی از تبلیغات جنگی است. این دادگاه، در عمل، ابزاری در دست قدرت‌های امپریالیستی برای اعمال فشار بر رقبای خود در چارچوب تنش‌های جهانی است. در همین چارچوب، تناقضات آشکار می‌شوند: چگونه ممکن است بنیامین نتانیاهو به‌عنوان جنایتکار جنگی تحت تعقیب قرار گیرد، اما هم‌زمان از سوی همان قدرت‌هایی که پشت این نهادها قرار دارند، مورد حمایت سیاسی و نظامی باشد؟

این تناقض نیست، استثنا نیست، بلکه بیانگر ماهیت واقعی نظم امپریالیستی و نهادهای حقوقی وابسته به آن است. از منظر کمونیست‌های چپ، نه تنها هیچ توهمی نسبت به بی‌طرفی این نهادها وجود ندارد، بلکه تأکید می‌شود که نهادهای قضایی بورژوازی بخشی از سازوکار دولت سرمایه‌اند و در نهایت در تقابل با منافع طبقه‌ی کارگر عمل می‌کنند.

در راستای تبلیغات جنگی و مهندسی افکار عمومی ترامپ گروهی از کشیشان را از سراسر کشور در دفتر بیضی کاخ سفید گرد هم آورد تا برای پیروزی او در جنگ امپریالیستی مراسم دعا برگزار کنند. این صحنه صرفاً یک نمایش کم‌دی-تراژیک نیست، بلکه بازتابی از وضعیت کنونی سرمایه‌داری است؛ جایی که نخستین قدرت اقتصادی و نظامی جهان، به شیوه‌ای شبه‌فرقه‌ای، به برگزاری آیین‌های دعا و نیایش متوسل می‌شود.

در این چارچوب، مذهب و نهادهای دینی به عنوان ابزاری ایدئولوژیک در خدمت جنگ و قدرت قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد الهیات، کشیشان و مفاهیم تقدس، به یاری یک جنگ طلب فراخوانده شده‌اند تا مشروعیت اخلاقی و معنوی برای کشتار و جنگ فراهم کنند. گویی عیسی مسیح در حال امضای مجوزی مقدس برای جنگ است و فرشتگان بر اجرای آن نظارت می‌کنند تا همه چیز در چارچوبی «مقدس» پیش برود.

این تصویر اغراق‌آمیز، در واقع بیانگر آن است که چگونه حتی مفاهیم دینی و شخصیت‌های مقدس نیز به ابزار تبلیغات جنگی سرمایه‌داری تبدیل می‌شوند؛ تا با افزودن نوعی «برکت آسمانی»، همان سیاست‌های مرسوم امپریالیستی با شدت و سرعت بیشتری پیش برده شوند. در این وضعیت، دعا و نیایش نیز به نوعی سوخت ایدئولوژیک برای ماشین جنگی امپریالیسم آمریکا بدل می‌شوند. در آن مراسم، چنین دعا می‌کنند:

"برای او طلب لطف و حفاظت تو را دارم. برای همه‌ی زنان و مردانی که در نیروهای مسلح ما خدمت می‌کنند دعا می‌کنیم. ای پدر، از تو می‌خواهیم که همچنان به رئیس‌جمهور ما نیروی لازم را عطا کنی تا بتواند ملت بزرگ‌مان را رهبری کند؛ در حالی که به‌سوی تبدیل شدن دوباره به ملتی واحد زیر نظر خداوند، تجزیه‌ناپذیر، همراه با آزادی و عدالت برای همگان، بازمی‌گردیم. برکات آسمانی‌ات را به نام عیسی مسیح بر او نازل فرما. آمین."^{۱۲}

^{۱۲} دعا برای دونالد ترامپ در دفتر بیضی شکل برای موفقیت در جنگ.

تبلیغات جنگی جنایتکاران، صرف نظر از این که به کدام جبهه تعلق دارند، گاه چنان مضحک، عوام‌فریبانه و ریاکارانه می‌شود که حتی صدای رسانه‌های بورژوازی را نیز در می‌آورد. در چنین زمینه‌ای است که اکونومیست نیز با لحنی کنایه‌آمیز دونالد ترامپ را مورد خطاب قرار داده و می‌نویسد:

"با اینکه دونالد ترامپ می‌گوید «۱۰۰٪ توان نظامی ایران را نابود کرده»، همان ۰٪ی که ظاهراً باقی مانده، با مختل کردن ۱۰ تا ۱۵ درصد از عرضه نفت جهان، اقتصاد جهانی را به هم ریخته است."^{۱۳}

جنایتکاران جنگی در عرصه‌ی تبلیغات، می‌کوشند با نمایش‌های مضحک و عوام‌فریبانه از یکدیگر پیشی بگیرند. در این رقابت تبلیغاتی، هر طرف تلاش می‌کند روایت خود را پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر جلوه دهد. در همین چارچوب، احمدرضا رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی بورژوازی اسلامی، که خود نقشی اساسی در سرکوب مخالفان ایفا کرده است، در یکی از تجمعات هواداران حکومتی که هر شب در میدان ولیعصر تهران برگزار می‌شود، با لحنی کنایه‌آمیز اتحادیه اروپا را مورد خطاب قرار داد و گفت:

"اگر عرضه حفظ‌گرینلند را ندارید، درخواست بدهید ما بیایم!"^{۱۴}

بدون تبلیغات جنگی، بدون پروپاگاندا‌ی جنگی و بدون مسموم کردن طبقه‌ی کارگر، تداوم جنگ‌های امپریالیستی ممکن نیست. جنگ تنها در میدان نبرد جریان ندارد، بلکه هم‌زمان

^{۱۳} اکونومیست.

^{۱۴} فارس‌نیوز.

در عرصه‌ی آگاهی نیز پیش برده می‌شود. بورژوازی، صرف‌نظر از این که به کدام جبهه تعلق دارد، می‌کوشد با مسموم کردن ذهن طبقه‌ی کارگر، شرایط جنگی را به‌عنوان امری «اجتناب‌ناپذیر»، «دفاعی» یا حتی «ضروری» جا بیندازد. هدف از این پروپاگاندا، خنثی کردن هرگونه مقاومت و جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات طبقاتی علیه جنگ است.

در این چارچوب، تمامی جنایتکاران جنگی به‌خوبی به پتانسیل تاریخی طبقه‌ی کارگر آگاه‌اند. تجربه‌ی تاریخی نشان داده است که تنها طبقه‌ی کارگر قادر است با ورود مستقل خود به صحنه، ماشین جنگی سرمایه‌داری را مختل کرده و به جنگ پایان دهد. به همین دلیل، طبقات حاکم با ایجاد اغتشاش فکری، تفرقه و بازتولید توهمات ایدئولوژیک، تلاش می‌کنند از بیدار شدن این غول خفته جلوگیری کنند.

از افق کمونیزم چپ، که همواره علیه جنگ‌های امپریالیستی بوده است، پروپاگاندا‌ی جنگی نه ابزاری فرعی، بلکه بخشی اساسی از خودِ جنگ امپریالیستی است؛ ابزاری برای مهار آگاهی طبقاتی و تضمین تداوم نظامی که بر استثمار، جنگ و بربریت استوار است. این پروپاگاندا با ویژگی‌های جعلی‌ای مانند «وحدت ملی»، «دشمن خارجی» و «ضرورت دفاع» به جای هویت طبقاتی، کارکردی جز مسموم کردن آگاهی طبقاتی و ادغام پرولتاریا در پروژه‌ی بورژوازی ندارد. در این فرآیند، کارگر امتیزه شده و در خدمت جنگ امپریالیستی قرار می‌گیرد؛ سوژه‌ای که علیه منافع تاریخی طبقه‌ی کارگر عمل می‌کند.

پروپاگاندا‌ی جنگی، تضاد بنیادین کار و سرمایه را می‌پوشاند و آن را با تقابل‌های کاذب ملی جایگزین می‌کند. از این‌رو، این جنگ در عین حال جنگی علیه آگاهی طبقاتی پرولتری و علیه خودِ طبقه‌ی کارگر نیز هست. تنها با موضعی انترناسیونالیستی و با اتکای

مستقل به مبارزه‌ی طبقاتی می‌توان با تبلیغات جنگی مقابله کرد. با افشای منافع طبقاتی نهفته در پس این تبلیغات، می‌توان آن را به سلاحی علیه خود بورژوازی و به لحظه‌ای برای بازسازی آگاهی طبقاتی علیه کل نظم بورژوایی تبدیل کرد. بنابراین، پاسخ پرولتری به تبلیغات جنگی و جنگ امپریالیستی، مبارزه‌ای علیه خود سرمایه است؛ مبارزه‌ای که تنها در افق جهانی و انترناسیونالیستی می‌تواند به رهایی واقعی بینجامد.

تبلیغات جنگی سلاح بورژوازی، آگاهی طبقاتی سلاح پرولتری!

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

اکبری

۵ فروردین ۱۴۰۵

كانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (تویتر سابق):

https://twitter.com/int_voice

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است!

**انتخاب سرنوشت ساز:
نه دموکراسی یا فاشیسم،
بلکه سوسیالیسم یا بربریت**



صدای انترناسیونالیستی

**بیانیه مشترک جریانات
کمونیزت چپ بین المللی
در رابطه با جنگ در اوکراین**



- جریان کمونیست بین المللی
- صدای انترناسیونالیستی
- انیستیتو دامن
- چشم انداز کمونیست انترناسیونالیستی

**تمامی دولت‌ها
جنایتکاران جنگی هستند!**



صدای انترناسیونالیستی

**جنگ تبلیغاتی
تبلیغات جنگی**



صدای انترناسیونالیستی